



جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سؤالات
و پروپوزنت‌های دانشگاهی

Jozvebama.ir



سوالات و پاسخ تشریحی سوالات درس حقوق مدنی

آزمون قضاوت ۹۵

تهیه و تنظیم: سیاوش هوشیار - مونا زنده دل

۱. بستگان طبقه اول و دوم حین الفوت متوفی پدر، مادر، یک خواهر، یک برادر و یک نوه دختری هستند. سهم الارث نوه دختری از ترکه چقدر است؟

(۱) نصف ترکه به علاوه سهم او از یک ششم به نسبت فرض

(۲) نصف ترکه

(۳) ارث نمی برد

(۴) دو سوم ترکه

گزینه ۱ صحیح است

اولاً طبق ماده ۹۱۱ قانون مدنی: «هرگاه میت اولاد بلاواسطه نداشته باشد اولاد اولاد او قائم مقام اولاد بوده و بدین طریق جز وراث طبقه اول محسوب و با هر یک از ابویین که زنده باشد ارث می برند...» و ثانیاً مطابق ماده ۹۰۸ قانون مدنی «هرگاه پدر یا مادر متوفی یا هر دو ابویین او موجود باشند با یک دختر، فرض هریک از پدر و مادر سدس ترکه و فرض دختر نصف آن خواهد بود و مابقی باید بین تمام وراث به نسبت فرض آنها تقسیم شود...».

بنابراین در فرض سؤال، نوه دختری قائم مقام مادر خود خواهد بود و نیمی از ارث را به قائم مقامی از سوی مادر خود به فرض می برد. فرض هریک از پدر و مادر نیز سدس ترکه است، باقیمانده سدس ترکه است که باید به نسبت فرض بین آنها تقسیم شود.

۲. خانم جوانی پس از فوت همسر اول خود با مرد دیگری ازدواج می کند. قبل از شروع زندگی مشترک دادگاه به واسطه عسرت زوج حکم به تقسیط مهریه عندالمطالبه داده است. تا دریافت کامل مهریه در خصوص حق حبس و حق مطالبه نفقه زوجه چه اقدامی می تواند انجام دهد؟

- ۱) از ایفای مطلق وظایفی که در برابر شوهر دارد امتناع کند لیکن در مدت مزبور استحقاق نفقه ندارد.
- ۲) از تمکین خاص خودداری کند لیکن موظف به تمکین عام است و حق مطالبه نفقه را ندارد.
- ۳) از تمکین خاص خودداری کند لیکن موظف به تمکین عام است و حق مطالبه نفقه را دارد.
- ۴) از ایفای مطلق وظایفی که در برابر شوهر دارد امتناع کند و حق مطالبه نفقه را نیز دارد.

گزینه ۴ صحیح است

دکتر کاتوزیان^(۵) در تفسیر ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی معتقدند که اعمال حق حبس زوجه تنها مسقط تکلیف زوجه در تمکین خاص است، با این حال هیات عمومی دیوان عالی کشور با صدور رای وحدت رویه شماره ۷۱۸ زوجه را مجاز به خودداری از تمکین به نحو مطلق اعم از عام و خاص در زمان اعمال حق حبس دانستند، طبق تصریح انتهای ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی امتناع زوجه از ایفای وظایف زناشویی در زمان اعمال حق حبس، مسقط حق نفقه نیست.

۳. کدام مورد مثبت وقفیت مال است؟

- ۱- گورستان عمومی بودن
- ۲- تصرف سابق به عنوان وقف در فرض تصرف فعلی به عنوان مالکیت
- ۳- قراردادن اشیا برای استفاده زائرین در بقاع متبرکه
- ۴- عمل به وقف به مدت طولانی بدون وجود وقفنامه

گزینه ۳ صحیح است

صرف اینکه مکانی به عنوان گورستان عمومی استفاده شود، اولا ممکن است به قصد انتفاع مالک باشد و ثانياً اگر هم بر مصالح عامه باشد، نوعی عمل به وقف است و فی النفسه نمی تواند مثبت وقفیت باشد، در این زمینه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به سوال شماره ۲۱۰۱ بخش استفتائات فرموده اند: «... دفن اموات در قبرستان عمومی هم حجّت شرعی بر وقف بودن آن نیست بلکه اگر قبرستان از نظر عرف از توابع شهر برای استفاده اهالی جهت دفن اموات و غیره شمرده شود و یا دلیل شرعی وجود داشته باشد...»

برای رد گزینه ۲ رای وحدت رویه شماره ۶۹۹ سال ۱۳۳۴ هیات عمومی دیوان عالی کشور را در اختیار داریم که می گوید: « ید فعلی حاکم بر ید سابق است. یعنی تصرف فعلی به عنوان مالکیت را تصرف سابق وقف ولو ثابت شود از اعتبار ساقط نمی کند مگر در صورتی که ضمن اثبات تصرف سابق وقف محرز شود که منشأ تصرف فعلی مالکانه غصب و بدون مجوز قانونی عدواناً عین موقوفه از تصرف وقف انتزاع شده است.»

ید مالکانه در برابر وقفیت سابق اعتباری نخواهد داشت، یعنی در جایی که وقفیت سابق ثابت شده باشد، در این حالت تصرف مالکانه به عنوان اماره نمی تواند برای اثبات مالکیت کافی باشد، ولی در فرض سوال ما با دو اماره یکی اماره تصرف وقف سابق و دیگری اماره تصرف مالکانه حاضر مواجه هستیم که تساقط می کنند.

دکتر کاتوزیان^(۵) به استناد یکی از آراء دیوان عالی کشور ذیل ماده ۵۶ در کتاب نظم کنونی آورده اند که: «عمل به وقف به تنهایی دلیل مثبت وقف محسوب نمی شود» بنا بر این گزینه ۴ هم رد می شود.

نهایتاً می توانیم با فرض اینکه اشیاء مذکور در گزینه ۳ از جمله اشیائی باشند که با بقای عین قابل انتفاع باشند، این گزینه را صحیح بدانیم، وقف حبس عین و تسبیل منافع است و نیاز به قبول هم دارد، در فرضی که مالی در بقاع متبرکه به استفاده زائران اختصاص یافته است، می توان حبس و انتزاع آن اموال از دارائی شخصی واقف را تشخیص داد و تخصیص به استفاد زوار تسبیل منافع است و باقی بودن این اشیاء در بقاع متبرکه که اصولاً موقوفه و در اختیار متولی و یا حاکم هستند دلالت بر قبول وقف نیز می کند، با این حال این سوال دارای ابهام و جای بحث دارد.

۴. شخصی برای تعمیر خانه خود مقداری سیمان از همسایه خود قرض می کند به قصد اینکه بعداً باید قیمت آن را به مقرض بدهد. وضعیت قانونی عقد چیست؟

(۱) عقد قرض صحیح و قابل فسخ است.

(۲) عقد قرض باطل است اما معامله بیع محسوب می شود.

(۳) قصد او با مقتضای عقد قرض مطابقت ندارد.

(۴) عقد قرض صحیح و غیر قابل فسخ است.

گزینه ۳ صحیح است

ماده ۶۴۸ قانون مدنی تعهد اصلی مقترض را به رد مثل مال دانسته است، قصد طرفین به پرداخت قیمت موافق مقتضای عقد اجاره نیست با این حال آن را به بیع هم تبدیل نمی کند، دکتر کاتوزیان^(۵) گفته اند: «هرگاه ضمن

عقد قرض شرط شود که وام گیرنده قیمت مالی را که به او تملیک شده است بپردازد، این شرط ماهیت قرض را دگرگون می سازد و قرارداد تابع قواعد عمومی و ماده ۱۰ قانون مدنی است»

هرچند در متن سوال از لفظ «قصد» استفاده شده است، با این حال به قرینه لفظ «باید» که پس از آن آمده است، این قصد را مشترک و داخل در تراضی طرفین و الزام آور فرض کرده ایم، والا قصد درونی طرفین فی النفسه تاثیری در آثار قانونی عقد نخواهد داشت.

۵. طی عقد صلحی ده سکه طلای بهار آزادی با ده سکه نقره متعلق به زمان قاجار مبادله می شود. در مجلس عقد از هریک از سکه ها فقط ۵ عدد تسلیم می شود. عقد مزبور چه حکمی دارد؟

(۱) باطل است.

(۲) نسبت به میزان سکه هایی که در مجلس عقد قبض شده صحیح است و نسبت به مابقی باطل است.

(۳) تنها در صورتی که قصد طرفین تملیک نبوده و تعهد به مبادله کرده باشند صحیح است.

(۴) صحیح است.

گزینه ۴ یا ۳ صحیح است

با فرض اینکه طرف مالک ده سکه نقره متعلق به زمان قاجار بوده است ولی فقط ۵ سکه را تسلیم کرده باشد، صلح صحیح است و باید طرفین الزام طرف مقابلشان به ایفای تعهد را بخواهند، با توجه به اطلاق فرض مساله گزینه ۴ صحیح به نظر می رسد، ولی اگر طرف هنگام عقد فقط مالک ۵ عدد سکه قاجار بوده است، تبعا عقد نسبت به آن ۵ سکه دیگر واقع نشده و باطل است، در این فرض گزینه ۳ صحیح به نظر می رسد، و اگر قصد طرفین مبادله هر سکه در برابر سکه دیگر باشد، عقد به مقداری که واقع شده است صحیح است و الا با توجه به اینکه صلح بر مبنای تسامح و با مقاصد فرعی شکل میگیرد، ایفای نیمی از تعهد به قصد مبنائی متعاقدين خدشه وارد می کند و باید قائل به بطلان کل عقد شد.

۶. کشاورزی با کامیون داری توافق می کند در ازای حمل محصول برنج او که مقدار آن نامشخص است از روستا به شهر، ۵ درصد از برنج ها به عنوان اجرت عمل متعلق به کامیون دار باشد. وضعیت قرارداد چگونه است؟

۱- صرفاً در قالب عقد صلح می تواند صحیح باشد.

۲- عقد جعاله محسوب می شود و صحیح است.

۳- عقد جعاله محسوب می شود و باطل است.

۴- عقد اجاره محسوب می شود و باطل است.

گزینه ۲ صحیح است

طبق ماده ۵۶۳ قانون مدنی «در جعاله، معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست»، در فرض سوال که اندازه کامیون بر راننده معلوم است، مقدار برنج بارگیری شده نیز بر راننده مطلقاً مجهول نخواهد بود.

۷. بدهکاری به طلبکار خود می گوید اتوموبیلم را در ازای ۵ میلیون تومان که از من طلب دارید به شما می فروشم و اگر ظرف یک هفته عدم موافقت خود را نسبت به این معامله اعلام نکنید سکوت شما به عنوان قبول محسوب می شود. آیا پس از گذشت ۱۰ روز و سکوت مخاطب، معامله ای میان آنها منعقد شده است؟

۱- آری معامله واقع شده است.

۲- خیر. اگرچه سکوت مزبور همراه با قرینه قبول معامله است اما به دلیل دیگری محکوم به بطلان است.

۳- آری معامله صحیح منعقد شده است اما این معامله بیع محسوب نمی شود و تبدیل تعهد است.

۴- خیر، معامله ای واقع نشده است.

گزینه ۴ صحیح است

فروختن عقد است و نیاز به قبول مشتری دارد، سکوت دلالت بر قبول و رضایت نمی کند، بنا بر این عقدی واقع نمی شود.

طبق ماده ۳۴۰ قانون مدنی: «در ایجاب و قبول، الفاظ و عبارات باید صریح در معنی باشد.» در مورد ساکت اصل را باید بر عدم اعلام اراده او و عدم رضایت و قبول معامله قرار داد و در وضعیت تردید حالت سابق او را استصحاب کرد، با این حال قانونگذار در موارد خاص سکوت را دلیل بر رضایت دانسته است از جمله در ماده ۵۰۱ قانون مدنی سکوت موجد در برابر مستاجری که پس از پایان مدت اجاره به سکونت خود ادامه می دهد، نشانه تراضی بر ادامه وضع پیشین دانسته شده است (کاتوزیان، اعمال حقوقی)

همچنین طبق ماده ۲۵۰ قانون امور حسبی رد ترکه باید در مدت یک ماه از تاریخ اطلاع وارث به فوت مورث بعمل آید اگر در مدت نامبرده رد ترکه بعمل نیاید در حکم قبول خواهد بود.

۸. در بیع کلی فی الذمه، قبول کننده ادعا می کند قصدش خرید یک تن برنج بوده است، اما فروشنده مدعی است که یک تن عدس فروخته است. در صورتی که قیمت برنج مورد نظر و عدس مساوی باشد، حکم معامله چیست؟

۱- عقدی واقع نشده است.

۲- عقد محمول بر صحت است مگر اینکه خریدار قصد و ادعای خود را ثابت کند

۳- عقد صحیح است اگر فروشنده قصد و ادعای خود را ثابت کند.

۴- بیع واقع شده است اما خریدار حق فسخ معامله را دارد.

گزینه ۱ صحیح است

ماده ۳۳۹ قانون مدنی می گوید: «پس از توافق بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن عقد بیع به ایجاب و قبول واقع می شود...» بنا بر این در جایی که ایجاب و قبول موافق یکدیگر نیستند، اصولاً عقدی واقع نشده است.

۹. کارخانه داری در ایمیلی ایجاب فروش یک صد تن مواد اولیه در ازای مبلغ مشخصی را از یک شرکت تولیدی دریافت می کند. اگر مخاطب ادعا کند که یک هفته پیش، به محض مطالعه ایمیل حاوی ایجاب فروشنده، قبول ایجاب را قصد کرده است، معامله مزبور چه وضعیتی دارد؟

۱- عقدی واقع نشده است.

۲- عقدی واقع نشده است مگر اینکه فروشنده ادعای مخاطب ایمیل را قبول کند.

۳- بیع در زمان قصد خریدار صحیحاً واقع شده است.

۴- بیع در زمان اقرار خریدار واقع می شود.

گزینه ۱ صحیح است

طبق ماده ۳۴۰ قانون مدنی: «در ایجاب و قبول، الفاظ و عبارات باید صریح در معنی باشد.» اگر منظور خریدار اخبار به وجود قصد درونی بر قبول در زمان دریافت ایمیل ایجاب بوده است، اخبار از قصد درونی را نمی توان قبول در مفهوم تام آن تلقی نمود، مگر اینکه فرض کنیم هنوز ایجاب موجود باشد و خریدار ضمن اخبار از قصد سابق خود قبول را نیز اعلام کند، ظاهر سوال به فرض اول نزدیک تر است و گزینه ۱ صحیح به نظر می رسد.

۱۰. طلبکاری ايجاب ضامن را قبول می کند، اما نمی داند پس از عقد ضمان ذمه مدیون آزاد می شود. ضمانت مزبور چه وضعیتی دارد؟

- ۱- عقد ضمانت به دلیل عدم تطابق قصد طرفین باطل است.
- ۲- عقد ضمانت صحیح است اما مدیونیت مضمون عنه پس از ضمان باقی می ماند.
- ۳- **عقد ضمان صحیح است و ذمه مدیون اصلی از دین بری می شود.**
- ۴- عقد ضمان به علت جهل مضمون له به آثار آن باطل است.

گزینه ۳ صحیح است

جهل نسبت به آثار عمل حقوقی خدشه ای بر صحت آن وارد نمی کند، در صورت وقوع عقد ضمان به نحو صحیح آثار قانونی آن از جمله ابراء ذمه مدیون ایجاد می شود، ماده ۶۹۸ قانون مدنی می گوید: «بعد از اینکه ضمان بطور صحیح واقع شده ذمه مضمون عنه بری و ذمه ضامن به مضمون له مشغول می شود.»

۱۱. در کدام مورد ولی قهری حق طلاق زوجه مولی علیه را دارد؟

- ۱- صغر سفه جنون مولی علیه
- ۲- **جنون دائمی مولی علیه**
- ۳- جنون مولی علیه اعم از دایمی و ادواری
- ۴- صغر و جنون مولی علیه

گزینه ۲ صحیح است

طبق ماده ۱۱۳۷ قانون مدنی: «ولی مجنون دائمی می تواند در صورت مصلحت مولی علیه زن او راطلاق دهد.» هرچند طبق ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی صغیر اهلیت طلاق دادن ندارد ولی به نظر دکتر کاتوزیان^(۶) «ولی یا قیم صغیر نیز حق ندارد به نمایندگی زن او را طلاق دهد»

۱۲. درباره هبه کدام مورد صحیح است؟

- ۱- هبه شامل انتقال رایگان حقوقی مانند حق انتفاع، ارتفاق رهن و تحجیر می شود.
- ۲- بخشش طلب به مدیون نوعی ابراء است.
- ۳- حجر واهب یا متهب حق رجوع را از بین می برد.
- ۴- **عاریه دادن عین موهوبه حق رجوع واهب را ساقط نمی کند.**

گزینه ۴ صحیح است

با عاریه دادن، عین موهوبه از مالیکت متهب خارج نمی شود و یا متعلق حق غیر قرار نمی گیرد، بنابر این حق رجوع واهب را ساقط نمی کند.

۱۳. درباره کفالت کدام مورد صحیح است؟

۱. کفالت سبب انتقال دین می شود.
۲. در کفالت از کفیل، فوت هریک از مکفول کفیلان پس از او را بری می کند.
۳. اقامه دعوی بر مکفول برای مطالبه حق پس از عقد کفالت لازم است.
۴. کفالت مکفول از کفیل صحیح است.

گزینه ۲ صحیح است

مطابق ماده ۷۵۰ ق.م «در صورتی که شخصی کفیل کفیل باشد و دیگری کفیل او و هکذا... هر کدام که به یکی از جهات مزبور در ماده ۷۴۶ بری شد کفیل های مابعد او هم بری می شوند» و یکی از جهات بری شدن کفیل در ماده ۷۴۶، فوت مکفول است. بنابراین، فوت هر مکفول، کفیلان پس از او را بری می کند.

۱۴. جمشید اتومبیلی را به مرتضی می فروشد. مرتضی آن را به احمد منتقل می کند. احمد همین اتومبیل را به جمشید صلح می کند. متعاقب این نقل و انتقالات قرارداد بیع جمشید و مرتضی اقاله می شود. کدام مورد صحیح است؟

- ۱- با انتقال اتومبیل از مرتضی به احمد حق اقاله معامله اول از بین می رود.
- ۲- مرتضی ملزم است اتومبیل را به جمشید مسترد کند.
- ۳- مرتضی متعهد به پرداخت قیمت اتومبیل به جمشید است.
- ۴- مرتضی متعهد به دادن مثل اتومبیل یا قیمت آن به جمشید است.

گزینه ۴ صحیح است

ماده ۲۸۶ قانون مدنی: «تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمتی بودن داده می شود.»

۱۵. در کدام مورد مزارعه باطل می شود؟

۱- هرگاه زرع معینی قید شده باشد و عامل غیر آن را زرع کند.

۲- هرگاه شرط شود که یکی از دو طرف علاوه بر حصه ای از حاصل مال دیگری نیز به طرف مقابل بدهد.

۳- هرگاه زمین به واسطه فقدان آب از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد.

۴- هرگاه عامل در اثنا یا در ابتدای عمل آن را ترک کند.

گزینه ۱ صحیح است

ماده ۵۳۷ قانون مدنی: «هرگاه در عقد مزارعه زرع معینی قید شده باشد و عامل غیر آن را زرع نماید مزارعه باطل و بر طبق ماده ۵۳۳ رفتار می شود.»

۱۶. شرط خیار در کدام مورد راه دارد؟

۱. ضمان

۲. صلح

۳. نکاح

۴. وقف

گزینه ۲ صحیح است

بر اساس ماده ۷۶۱ قانون مدنی «صلحی که در مورد تنازع یا مبنی بر تسامح باشد قاطع بین طرفین است و هیچیک نمی تواند آن را فسخ کند اگر چه به ادعای غبن باشد، مگر در صورت تخلف شرط یا اشتراط خیار.» شرط خیار به جز عقد بیع، در سایر عقود لازم راه دارد مگر در عقود ضمان و نکاح و وقف.

۱۷. در عقد اجاره مستأجر تعهد کرده است که تنها خود از عین مستأجره استفاده کند. فوت مستأجر چه تأثیری در عقد اجاره دارد؟

۱- موجر می تواند آن را فسخ کند.

۲- باطل می شود.

۳- تأثیری ندارد.

۴- منفسخ می شود.

گزینه ۱ صحیح است

به استناد ذیل ماده ۴۹۷ قانون مدنی، «... اگر شرط مباشرت مستأجر شده باشد به فوت مستأجر باطل می گردد.» اما این بطلان، در موردی است که مباشرت قید انتفاع باشد.

اما در فرضی که مستأجر تعهد کند تنها خود از عین مستأجره استفاده کند، فوت او باعث بطلان اجاره نمی شود، بلکه موجر به استناد ماده ۲۴۰ قانون مدنی می تواند به علت اینکه انجام شرط ممتنع شده است، اجاره را فسخ کند. (قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی؛ ذیل ماده ۴۹۷ ق.م)

۱۸. احسان ملکی را به عنوان مال بهرام و به صورت فضولی به خود [در برخی متن های منتشر شده از سوالات «به جواد» آمده است] می فروشد. بعداً معلوم می شود که مال مزبور پیش از معامله به دلیل ارث به احسان منتقل شده است. معامله مزبور چه حکمی دارد؟

۱- باطل است.

۲- نفوذ آن موقوف به اجازه بهرام است.

۳- نافذ است.

۴- نفوذ آن موقوف به اجازه احسان است.

در حالتی که «به خود می فروشد» گزینه ۱ صحیح است

مطابق ماده ۲۵۵ قانون مدنی، «هرگاه کسی نسبت به مالی معامله بعنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله کننده می توانسته است از قبل او ولایتاً یا وکالتاً معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موقوف به اجازه معامل است والا معامله باطل خواهد بود.» مفاد ماده ناظر به فرضی است که کسی معامله فضولی را با شخص ثالث انجام بدهد.

در فرض مسأله، معامل و متعامل معامله فضولی یک نفر (احسان) است. یعنی او مال خود را به خود فروخته است؛ با توجه به ماده ۱۸۳ قانون مدنی «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.» و تعدد متعاملین برای وقوع عقد ضروری است، آنچه هم که تحت عنوان «معامله با خود» یاد می شود ناظر به فرضی است که شخصی به وکالت و نمایندگی مالک با خود معامله می کند. لذا در فرض سوال، اصولاً عقدی واقع نشده است که بحث صحت و نفوذ آن به میان آید.

در حالتی که «به جواد می فروشد» گزینه ۴ صحیح است

ماده ۲۵۵ قانون مدنی می گوید: «هرگاه کسی نسبت به مالی معامله بعنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله کننده می توانسته است از قبل او ولایت یا وکالتا معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موقوف به اجازه معامل است والا معامله باطل خواهد بود.»

۱۹. احمد مال خود را به سیما می فروشد و پس از تسلیم عین مبیع به خریدار سیما مفلس می شود. آیا احمد حق استرداد عین مبیع را دارد؟

۱- بله خواه ثمن کلی باشد یا عین معین

۲- بله اگر ثمن کلی باشد.

۳- بلی اگر ثمن عین معین باشد.

۴- خیر و برای گرفتن ثمن داخل در غرما می شود.

گزینه ۲ صحیح است

مطابق ماده ۳۸۰ قانون مدنی، «در صورتی که مشتری مفلس شود و عین مبیع نزد او موجود باشد بایع حق استرداد آن را دارد و اگر مبیع هنوز تسلیم نشده باشد می تواند از تسلیم آن امتناع کند.»

برای اینکه بایع اختیار تفلیس داشته باشد و بتواند معامله را از این جهت فسخ کند شرایط زیر لازم است: (سید حسین صفایی، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، قواعد عمومی قراردادها)

(۱) مشتری باید به حکم دادگاه مفلس (ورشکسته) شناخته شده باشد.

(۲) مبیع باید به مشتری تسلیم نشده یا اگر تسلیم شده هنوز عین آن نزد مشتری باقی باشد، یعنی تلف نشده و نیز مشتری آن را به دیگری منتقل نکرده باشد.

۳) ثمن باید تأدیه نشده باشد.

۴) ثمن باید کلی در ذمه باشد.

زیرا ثمن معین در اثر بیع به ملکیت فروشنده در می آید و باید به او تسلیم شود و افلاس و توقف در اجرای این الزام اثری ندارد.

لذا با فرض باقی بودن عین مبیع نزد سیما و در صورتی که ثمن کلی باشد، احمد حق استرداد مبیع را دارد.

۲۰- مجنون ادواری زمین خود را که صد میلیون تومان ارزش داشته به صد و بیست میلیون تومان می فروشد. اگر معلوم نباشد که معامله در زمان افاقه یا جنون وی بوده است. معامله چه وضعیتی دارد؟

۱) توسط خود وی بعد از مسلم شدن افاقه قابل تنفیذ است

۲) باطل است

۳) صحیح و نافذ است

۴) توسط ولی وی قابل تنفیذ است

گزینه ۲ صحیح است

اصل بر حالت جنون مجنون ادواری است، در صورت تردید حالت جنون او استصحاب می شود و طبق ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی باید حالت افاقه او ثابت شود، طبق همین ماده همه تصرفات مالی مجنون ادواری در حالت جنون باطل است.

۲۱- سفیه مال خود را بدون اذن ولی به ودیعه می گذارد. اما ولی آن را تنفیذ نمی کند. عقد ودیعه چه وضعیتی دارد؟ اگر مال در نزد مستودع بدون تعدی و تفریط تلف شود. چه حکمی دارد؟

۱) باطل است/ مستودع ضامن است

۲) اگر ودیعه بدون شرط عوض باشد صحیح است/ مستودع امین است و ضامن نیست

۳) ودیعه صحیح است اما ولی سفیه می تواند آن را فسخ کند/ مستودع ضامن نیست

۴) ودیعه صحیح است خواه به شرط عوض باشد یا نباشد/ مستودع ضامن نیست

گزینه ۱ صحیح است

طبق ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی تصرفات مالی سفیه نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم، در فرض سوال که ولی تنفیذ نکرده است، ودیعه باطل است، طبق ماده ۶۱۰ قانون مدنی قبول ودیعه از کسی که اهلیت ندارد موجب ضمان مستودع است، بنا بر این مستودع حتی بدون تعدی و تفریط هم ضامن نقص و تلف مال خواهد بود.

۲۲- فردی شخص غایبی را به عنوان وکیل خود انتخاب می‌کند و مراتب را طی یک رایانامه (ایمیل) به اطلاع وی می‌رساند. این وکالت چگونه محقق می‌شود؟

(۱) به اعلام اراده انشایی وکیل

(۲) ارسال رایانامه قبول

(۳) وصول رایانامه قبول به موکل

(۴) با رضایت وکیل

گزینه ۱ صحیح است

در مورد زمان تشکیل عقد مکاتبه ای نظرات و بحث های زیادی شده است، نظر استاد کاتوزیان^(۶) که ذیل ماده ۱۹۴ در کتاب نظم کنونی نیز آمده است مبتنی بر تشکیل عقد در زمان «اعلام قطعی قبول» است، گذشته از این طبق ماده ۶۵۷ قانون مدنی وکالت با قبول وکیل محقق می شود و اطلاع موکل از قبول لازم نیست، بنا براین در فرض سوال صرف اعلام اراده انشائی وکیل که حتی می تواند به صورت انجام مورد وکالت باشد برای تحقق وکالت کافی است.

گزینه ۲ صحیح نیست چون ارسال رایانامه برای اعلام قبولی موضوعیت ندارد.

گزینه ۳ صحیح نیست چون وکالت با قبول وکیل

محقق می شود و نیاز به اطلاع موکل از قبول وکالت نیست.

گزینه ۴ صحیح نیست، چون رضایت درونی وکیل برای تحقق وکالت کافی نیست و باید اراده انشائی وکیل مبتنی بر رضایت او اعلام شود.

۲۳- پس از عقد ضمان با توافق طرفین ضامن مالی به غیر جنس دین به مضمون له تسلیم می‌کند. این توافق چه حکمی دارد؟

- (۱) باطل است مگر اینکه مضمون عنه به آن رضایت دهد
- (۲) صحیح است و معاوضه می‌شود
- (۳) صحیح است و تبدیل تعهد محسوب می‌شود
- (۴) باطل است حتی اگر مضمون عنه به آن رضایت دهد.

گزینه ۳ صحیح است

این توافق صحیح است، با وقوع ضمان ذمه ضامن در برابر مضمون له مشغول می‌شود، و از جمله با تبدیل تعهد، ذمه ضامن بری خواهد شد، دکتر کاتوزیان^(۵) گفته اند: «در صورت که ضامن تعهد کند که جنس دیگری را به جای دین به طلبکار بدهد، در نفوذ قرار داد نباید تردید کرد. ولی این ضمان تنها به نقل ذمه محدود نمی‌شود و حاوی یک تبدیل تعهد نیز هست».

البته باید بدانیم که اثر رضایت مضمون عنه در این فرض آن جاست که اگر بدون رضایت مضمون عنه این تبدیل تعهد صورت پذیرد، ضامن نمی‌تواند به چیزی که داده است به او رجوع کند و باید همان جنسی که بر مضمون عنه مدیون بوده است را از او مطالبه کند، دکتر کاتوزیان^(۶) گفته اند: «این توافق [منظور توافق به تبدیل است] درباره مضمون عنه اثر ندارد، هرچند ضمان به اذن او باشد و ضامن در صورتی می‌تواند برای مطالبه همان جنس به مدیون رجوع کند که او نیز به تبدیل تعهد اذن دهد»

۲۴- کدام مورد از شرایط صحت ابرا نیست؟

- (۱) اهلیت مدیون
- (۲) اهلیت دائن
- (۳) آزاد بودن دین
- (۴) کلی بودن دین

گزینه ۱ صحیح است

برای صحت ابراء که ایقاع است و با اراده انشائی دائن واقع می‌شود تنها اهلیت او کافی است و نیازی به اهلیت مدیون نیست.

۲۵- کدام مورد در مورد اهلیت اطراف عقد حواله صحیح است؟

- (۱) اهلیت سه طرف لازم است چون هر سه آنها تصرف مالی انجام می‌دهند.
- (۲) اهلیت محیل و محتال لازم است اما اهلیت محال علیه لازم نیست چون وی به هر حال باید دین خود را پرداخت کند
- (۳) اهلیت محیل و محال علیه لازم است اما اهلیت محتال لازم نیست چون صرف رضای او کفایت می‌کند و به نفع او است.
- (۴) اهلیت محیل و محال علیه لازم است اما اهلیت محتال لازم نیست چون طرف عقد نیست.

گزینه ۱ صحیح است

هر سه طرف عقد حواله باید اهلیت معامله و تصرف در اموال خود را داشته باشند، دکتر کاتوزیان^(۵) گفته اند: «محیل و محتال و محال علیه هر کدام به گونه ای در اموال خود تصرف می‌کنند: محیل از طلب خود به سود محتال می‌گذرد یا دین جدیدی برای خویش به وجود می‌آورد؛ محتال نیز در برابر تعهد محال علیه ذمه محیل را بری می‌کند؛ محال علیه هم ملتزم به دادن مالی به محیل می‌شود. پس باید اهلیت تصرف در مال خود را داشته باشد. وانگهی حوال از عقود معین است و اطراف آن باید دارای اهلیت برای معامله کردن باشند»

۲۶- صد تن برنج طارم درجه یک به صورت کلی مافی الذمه فروخته می‌شود. پس از دریافت برنج‌ها توسط مشتری معلوم می‌شود که ده تن از آنها از نوع درجه سه و معیوب است. کدام مورد صحیح است؟

- (۱) خریدار می‌تواند نسبت به ده تن برنج معیوب معامله را فسخ نموده یا ارش بگیرد.
- (۲) خریدار حق فسخ کامل معامله را دارد.
- (۳) **فروشنده باید ده تن برنج طارم درجه یک تحویل دهد.**
- (۴) خریدار نسبت به ده تن برنج درجه سه حق فسخ دارد.

گزینه ۳ صحیح است

در فرض مساله فروشنده به تعهد خود به تسلیم مصادیق مبیع کلی عمل نکرده است، و باید الزام او به ایفای تعهد را خواست، شاید بدوا به نظر برسد که موضوع محل جریان خیار تبعض صفقه باشد، ولی در فرض مساله عملا تحویل بخشی از برنج معیوب موجب انحلال آن بخش از بیع نمی‌شود و خیار عیب برای مشتری ایجاد نمی‌کند که بتواند به تبع آن کل معامله را فسخ کند یا نسبت به آنچه باطل است ارش بگیرد.

۲۷- ضمن عقد بیع بر خریدار شرط می‌شود که مقدار معینی از گندم‌های موجود در انبار را به فروشنده بدهد. پس از معامله معلوم می‌شود که تمامی گندم‌ها قبل از معامله در اثر سیل تلف شده‌اند. کدام مورد در خصوص شرط مذکور و ضمانت اجرای آن صحیح است؟

- (۱) شرط نتیجه است و هر یک از طرفین باید عوض مال دریافتی به دیگری مسترد کند.
- (۲) شرط نتیجه و فروشنده می‌تواند عقد بیع را فسخ کند.
- (۳) شرط فعل است و خریدار باید بدل گندم‌ها را تحویل دهد.
- (۴) شرط فعل است و فروشنده می‌تواند عقد بیع را فسخ کند.

گزینه ۴ صحیح است

این شرط فعل است، بر فروشنده ضمن عقد بیعی، بر خریدار شرط شده است که ضمناً مقدار معینی هم از گندم‌های موجود در انبارش را بدهد، تعهد خریدار کلی در معین بوده است، با توجه به اینکه کل گندم‌ها تلف شده بودند، بنا بر این شرط فعل مذکور «غیر مقدور» بوده و طبق ماده ۲۳۲ قانون مدنی باطل است، بطلان شرط تحویل گندم‌ها به موجب ماده ۲۳۹ قانون مدنی موجب حق فسخ برای فروشنده می‌شود.

۲۸- کدام مورد در خصوص به ارث رسیدن حق اجازه یا رد معامله فضولی صحیح است؟

- (۱) صرفاً اگر عقد فضولی عهدی باشد به ارث می‌رسد.
- (۲) به ارث نمی‌رسد خواه عقد فضولی عهدی یا تملیکی باشد.
- (۳) به ارث می‌رسد خواه عقد فضولی عهدی با تملیکی باشد.
- (۴) صرفاً اگر عقد فضولی تملیکی باشد به ارث می‌رسد.

گزینه ۳ صحیح است

ماده ۲۵۳ قانون مدنی به نحو اطلاق ارث رسیدن اجازه به وراثت مالک را بیان کرده است، دکتر کاتوزیان^(۶) ضمن بحث در مورد تفکیک عقد فضولی عهدی و عقد فضولی عینی در نهایت ارث رسیدن اجازه در هر دو مورد را پذیرفته‌اند.

۲۹- عبارت زیر بیانگر کدام قاعده فقهی است؟

تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است (ماده ۳۵ قانون مدنی)

(۱) ضمان ید

(۲) ید

(۳) تسلیط

(۴) من ملک

گزینه ۲ صحیح است

ماده مبتنی بر قاعده فقهی «ید» است، البته باید توجه داشت که تصرف «اماره» مالکیت است.

ویکی فقه در تعریف قاعده ید این طور نوشته است: «منظور از قاعده ید این است که به سبب وضع ید یعنی دست نهادن و مسلط بودن و در اختیار داشتن چیزی ادعای شخص مسلط و مستولی اثبات می شود، چه ادعای مالکیت باشد یا ادعای متولی بودن برای وقف و غیره. البته این در صورتی است که دلیل قاطع برخلاف این ادعا موجود نباشد و الا به مقتضای دلیل عمل می شود مثل اینکه می دانیم کسی که الان بر این خانه مسلط هست آنجا را غصب کرده است و گذر ایام هر چند طولانی موجب حکم کردن به مالکیت غاصب نمی شود بلکه مورد قاعده در جایی هست که مثلاً کسی پیش قاضی نسبت به خانه ای که در دست کس دیگری هست ادعای مالکیت می کند بدون اینکه دلیل و سندی داشته باشد و آن شخص هم که خانه در اختیار اوست ضمن رد ادعای او، خود ادعای مالکیت می کند در حالی که او هم سند دیگری ندارد در اینجا قاضی با توجه به ذوالید بودن این شخص، حکم به مالکیت او کرده ادعای شخص اول را رد می کند.»

۳۰- کدام مورد در خصوص وصیت صحیح است؟

- (۱) اگر وصیت به میزانی زاید بر ثلث باشد و یکی از فرزندان موصی بعد از فوت پدر و قبل از تنفیذ فوت کند ورثه او می توانند مازاد بر ثلث را اجازه کنند.
- (۲) در وصیت به وقف بر غیر محصور قبول شرط نیست.
- (۳) وصی از اقراری که ضمن وصیت کرده نمی تواند رجوع کند.
- (۴) موصی می تواند ملکی را به نفع پسر ارشد خود و نوه ای که هنوز موجود نیست وصیت کند.

گزینه ۱ صحیح است

توجه داشته باشید که فرض سوال ناظر به موردی است که فرد فوت کرده است و پس از او پسرش قبل از اینکه وصیت را اجازه دهد یا رد کند فوت می کند، یعنی پسر از پدر ارث برده است و بعد فوت کرده است، در این حالت نوادگان ذینفع در رد یا تنفیذ زائد بر ثلث خواهند بود.

تنفیذ وصیت بر زائد بر ثلث یک حق است و دارای آثار مالی است، اصل بر انتقال همه اموال و حقوق متوفی است مگر اینکه دلیلی خلاف آن باشد، بنا بر این باید حق اجازه و تنفیذ وصیت مازاد بر ثلث را داخل در ترکه متوفی دانست و قائل بر این بود که به ورثه او ارث می رسد، همان طور که خیار فسخ نیز به وارثان می رسد.

گزینه ۲ صحیح نیست، چون وقف بر غیر محصور نیاز به قبول حاکم دارد.

در گزینه ۳، به اقرار «وصی» ضمن وصیت اشاره شده است، در جایی که وصی نقشی در انشاء وصیت ندارد، اقرار او ضمن وصیت هم موضوعیت نخواهد داشت، آنچه که ذیل ماده ۸۳۸ در کتاب نظم کنونی آمده است ناظر عدم امکان رجوع موصی از اقرار ضمن وصیت نامه است.

گزینه ۴ صحیح نیست، طبق ماده ۸۵۰ قانون مدنی «موصی له باید موجود باشد».



جزوه باما

دانلود جزوات، نمونه سوالات
و پروپوزنت‌های دانشگاهی

Jozvebama.ir

